

۹. ۳ سلاح قدرتمند جنگ روحانی که هر مؤمنی به آن نیاز دارد

لینک ویدیوی یوتیوب: <https://youtu.be/mW0srpqCn5Y>

جنگ روحانی برای هر مؤمنی یک واقعیت است و خدا قوم خود را بی‌دفاع رها نکرده است. در دو مطالعه قبلی، ما به اقتداری که مسیح به مؤمنان می‌دهد و زره خدا که ما را در نبرد علیه نیروهای تاریکی محافظت می‌کند، پرداختیم. در این مطالعه کتاب مقدس، به قدرتمندترین سلاح‌های روحانی مؤمنان می‌پردازیم—ابزارهایی که روح‌القدس برای کمک به ما در ایستادگی، غلبه بر شر و پیشبرد مقاصد خدا از آنها استفاده می‌کند. پولس در افسسیان ۶ دو مورد از این سلاح‌ها را معرفی می‌کند و کتاب مقدس مورد سومی را برجسته می‌سازد که پیروزی را در قلمرو نامرئی به ارمغان می‌آورد. این سه سلاح قدرتمند در مجموع کلام خدا، دعا، و ستایش و پرستش هستند. ما با شمشیر روح، یعنی کلام خدا، شروع می‌کنیم و کشف می‌کنیم که چگونه خدا قوم خود را برای پیروزی در جنگ روحانی مجهز می‌سازد.

۱. شمشیر روح‌القدس: عمل کردن به اقتدار کلام خدا

پولس در حالی که تحت بازداشت خانگی و به یک سرباز رومی زنجیر شده بود، برای کلیسای افسوس نامه نوشت. آن سرباز مسئول نگهداری از پولس و جلوگیری از فرار او بود. پولس با مشاهده زره سرباز رومی، شاید الهام گرفت تا به زره‌ای که خدا ما را برای مبارزات روحانی‌مان به آن مجهز می‌کند، بیندیشد و این کلمات را بنویسد:

«کلاه نجات و شمشیر روح، یعنی کلام خدا را بردارید.^۸ و در روح، در هر موقع، با هر نوع دعا و درخواست دعا کنید. با این نظر، هوشیار باشید و همیشه برای همه مقدسین دعا کنید.» (افسسیان ۶: ۱۷-۱۸).

درک مآخیرا: کالبدشناسی شمشیر روحانی ما

شمشیر متصل به کمر بند سرباز نماد کلام خداست. نوع شمشیری که پولس در نظر دارد، «مآخیرا» () است، یک سلاح کوتاه و دو لبه که معمولاً تنها هجده اینچ طول داشت، بسیار تیز و بسیار سبک بود. این شمشیر در نبرد تن‌به‌تن با دشمن بسیار مؤثر بود، نبردی که ما به عنوان مؤمنان، باید هنگام «کشتی گرفتن» با دشمن‌مان، یعنی نیروهای روحانی شریر در قلمروهای نامرئی، در آن شرکت کنیم (افسسیان ۶: ۱۲).

از این شمشیر برای دفع یا منحرف کردن هر حمله از سوی دشمن استفاده می‌شد و در دست سرباز رومی به عنوان یک سلاح تهاجمی عمل می‌کرد. ما پروردگارمان عیسی مسیح را به عنوان الگویی برای به کارگیری شمشیر روح‌القدس هم به عنوان یک ابزار دفاعی و هم تهاجمی در برابر دشمن داریم. هنگامی که روح‌القدس مسیح را در بیابان برای رویارویی با شیطان هدایت کرد، عیسی در هر یک از سه آزمایش، از شمشیر کلام خدا برای مقابله با هر حمله از سوی دشمن استفاده کرد.

قدرت این سلاح را دست کم نگیرید. اولاً، این سلاحی نیست که خودتان آن را ساخته باشید. این، برای مثال، «شمشیر» کیت توماس (می‌توانید نام خود را اینجا وارد کنید) نیست، بلکه شمشیر روح‌القدس است. به این موضوع فکر کنید! این سلاح برخلاف یک سلاح معمولی، الهی است و نه به قدرت یا توانایی شما، بلکه به قدرت خود سلاح بستگی دارد. این قدرت مستقیماً به پادشاهی که ما او را خدمت می‌کنیم، یعنی پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان، متصل است! سخنان او که به نام او گفته می‌شوند، حامل اقتدار او هستند. تحت هدایت روح، کلام خدا که در موقعیت خاص شما به کار گرفته می‌شود، قدرت عظیمی دارد.

واقعیت‌های تاریخی: چگونه کلام خدا دل‌ها را می‌شکافد و ملت‌ها را دگرگون می‌سازد

کلام خدا اقتدار دارد. تمام. او می‌تواند درست در زمانی که به آن نیاز دارید، کلمه‌ای برای یک موقعیت خاص به شما بدهد و همچنین می‌تواند افکاری درباره امور ابدی را در ذهن شما بگذارد. برای مثال، در اواخر نوجوانی‌ام، برای خودم زندگی می‌کردم. من از غرایز و تمایلات جسمانی خود پیروی می‌کردم، اما افکاری درباره ابدیت شروع به ظهور کرد. (بعداً متوجه شدم که مردم در این مدت برای من دعا می‌کردند!) شروع کردم به پرسش از اینکه برای چه چیزی زندگی می‌کنم و قرار

است در زندگی‌ام به چه چیزی دست یابم. سعی کردم این افکار را کنار بگذارم و تمام تلاشم را کردم که نادیده‌شان بگیرم، اما این کار ناامیدکننده بود زیرا پاسخی که مرا قانع کند نداشتم.

سپس یک روز به کتابی درباره آخرالزمان برخوردم، موضوعی که به شدت برایم جالب بود، و خدا از آن کنجکاوی استفاده کرد تا قلبم را به واقعیت خویش بگشاید. در آن کتاب، نویسنده بازگشت مسیح و جدایی میان کسانی را که از آن او هستند و کسانی که نیستند، توصیف می‌کرد. از آنجا که در یک «کشور مسیحی» به دنیا آمده بودم، فرض می‌کردم که مسیحی هستم، اما در درون هیچ درک واقعی از مسیح و هیچ آرامشی با خدا نداشتم. یک آیه خاص در کتاب مقدس توجه مرا به خود جلب کرد: «**هر که با من نیست، بر من است، و هر که با من جمع نمی‌کند، پراکنده می‌سازد**» (متی ۱۲: ۳۰). نویسنده توضیح داد که هیچ راه میانی وجود ندارد؛ انسان یا در ملکوت خداست یا بیرون از آن. در آن لحظه، دریافتم که اگر عیسی بازگردد، من در ملکوت او یافت نخواهم شد، زیرا او را به راستی نمی‌شناختم. احساس می‌کردم مانند ماهی‌ای هستم که به قلاب کلام مقدس گیر کرده است. هر چقدر هم که تقلا می‌کردم، نمی‌توانستم از آن باور رها شوم.

خداوند از آن آیه استفاده کرد تا مرا به جستجوی حقیقت وادارد، و تا زمانی که زندگی‌ام را به مسیح تسلیم نکردم، آرام نگذاشت. کلام او همچون شمشیر بر قلبم فرود آمد، مرا به واقعیات ابدی بیدار ساخت و مسیر زندگی‌ام را تغییر داد. این قدرت کلام خداست: هنگامی که با کار روح‌القدس همراه می‌شود، به جاهایی می‌رسد که هیچ چیز دیگری نمی‌تواند. سال‌ها بعد، پس از اینکه مسیحی شدم، با افرادی که در آن دوران برایم دعا می‌کردند ملاقات کردم. دعا‌های آنها، به همراه استفاده روح‌القدس از کلام مقدس، بخشی از کار فیض‌آمیز خدا در جذب من به سوی خود شد. امیدوارم این برای شما تشویق‌کننده باشد، هنگامی که برای عزیزان و اعضای خانواده‌تان دعا می‌کنید. اعتماد کنید که خدا قادر است هم از کلام خود و هم از روح خود استفاده کند تا به آنها دست یابد و آنها را به سوی خود آورد.

مارتین لوتر، اصلاح‌گر بزرگ دین مسیحیت، تجربه‌ای مشابه با کلام خدا که در درونش جای گرفته بود، داشت. او این آیه از کتاب مقدس را خواند: «**صادق به واسطه ایمان خود خواهد زیست**» (حقوق ۲: ۴؛ رومیان ۱: ۱۷)، اما کلیسایی که در آن زمان به آن می‌رفت، تعلیم می‌داد که انسان می‌تواند از طریق اعمال نیک به حیات جاودانه دست یابد. او به عنوان یک عمل مذهبی برای کسب آرامش و بخشش، به رم سفر کرد، جایی که به او گفته شد می‌تواند با بالا رفتن از بیست و هشت پله مرمر سفید پلکان لاتران به زانو، آرامش را در قلب خود بیابد. هرگاه از پله‌ای بالا می‌رفت، روح‌القدس او را رها نمی‌کرد و با هر قدم این فکر در ذهنش طنین‌انداز می‌شد: «صادق به واسطه ایمانش زنده خواهد ماند»، و تکرار می‌کرد: «صادق به واسطه ایمان زنده خواهد ماند!» او دریافت که تبریئه [عمل خدا در زدودن گناه و مجازات آن] تنها از طریق ایمان است، نه از طریق اعمال انسان. این حقایق با تمام آموزه‌های آن زمان در تضاد بود و خدا لوتر را فراخواند تا پرچم کلام خدا را بر فراز سنت‌های بشری برافرازد. این مکاشفه نقطه عطفی برای او و برای کسانی بود که سخنانش را هنگامی که به عنوان مردی دگرگون‌شده و با مکاشفه‌ای تازه از کلام خدا، برای موعظه به کلیسای خود در آلمان بازگشت، شنیدند. بار دیگر، کلام خدا همچون شمشیر عمل کرد، درون او را می‌شکافت و زندگی‌اش را دگرگون ساخت.

ما نمونه دیگری از قدرت کلام خدا را در کتاب مقدس می‌یابیم. پس از رستاخیز مسیح، در روز پنطیکاست، حواریون از اتاق بالا بیرون آمدند، جایی که روح‌القدس آنها را پر کرده بود. در حالی که چند هزار یهودی گرد آمده بودند، حواری پطرس کلام خدا را موعظه کرد: «**وقتی مردم این را شنیدند، دلشان شکست و به پطرس و سایر حواریون گفتند: «برادران، چه باید بکنیم؟»**» (اعمال رسولان ۲: ۳۷). کلام خدا که از زبان پطرس بیان شد، همچون شمشیری بود که ژرف‌ترین بخش قلب آنان را می‌شکافت.

کاربرد شمشیر: افسسیان ۶: ۱۷ و عبرانیان ۴: ۱۲ را بخوانید. واژه یونانی به کار رفته برای شمشیر، «**ماخایرا**» (*machaira*) است (یک سلاح کوتاه و دقیق که در نبرد نزدیک دست‌به‌دست استفاده می‌شود). آیا می‌توانید زمانی خاص را به اشتراک بگذارید که آیه‌ای از کتاب مقدس به طور ویژه توسط روح‌القدس برجسته شد تا دروغ، آزمون یا اضطراب خاصی را در زندگی شخصی شما بریده و از بین ببرد؟

قدرت کلام خدا را که در مؤمن در مسیح عمل می‌کند و از طریق او جاری می‌شود، دست‌کم نگیرید.

۱۱ زیرا کلام خدا زنده و فعال است. تیزتر از هر شمشیر دو لبه‌ای، تا مغز استخوان و روح را می‌شکافت؛ افکار و نیت‌های دل را داوری می‌کند (عبرانیان ۴: ۱۲؛ تأکید از ماست).

در آمریکا در قرن نوزدهم، خداوند چارلز فینی را فراخواند و او را با روح القدس پر ساخت. او مردی متعهد به دعا و خدمت به کلام خدا بود. خداوند به طور چشمگیری از او استفاده کرد و او از کلیسای به کلیسای دیگر موعظه می‌کرد. حضور روح چنان آشکار بود که کسانی که او را می‌شنیدند، تحت تأثیر قناعت عمیق قلبی قرار می‌گرفتند و احساس می‌کردند که تا عمق وجودشان نیشتر زده شده است. در یکی از مواقع، هنگامی که فینی در یک مدرسه موعظه می‌کرد، «ناگهان وقاری هولناک بر جمعیت نازل شد و جماعت از روی صندلی‌های خود فرو افتادند و برای رحم ناله می‌کردند.» فینی گفت: «اگر در هر دستم شمشیری داشتم، نمی‌توانستم به سرعتی که آنها فرو می‌افتادند، آنها را قطع کنم. فکر می‌کنم کل جماعت در عرض دو دقیقه به زانو درآمدند یا به زمین افتادند.» ناله و گریه مردم چنان بلند بود که آنها نمی‌توانستند درخواست فینی برای پذیرفتن رحمت مسیح را بشنوند. فینی چنان به روح القدس مسح شده به نظر می‌رسید که مردم تنها با نگاه کردن به او تحت تأثیر احساس گناه قرار می‌گرفتند. او هنگام برگزاری جلسات در یوتیکا، نیویورک، از یک کارخانه بزرگ بازدید کرد. با دیدن او، یک کارگر در هم شکست، سپس دیگری، و بعد کارگر دیگری از شدت احساس گناه در هم شکست و گریست، و در نهایت، آنقدر افراد زیادی حق و گریه می‌کردند که در حالی که فینی آنها را به مسیح هدایت می‌کرد، مجبور شدند ماشین‌آلات را متوقف کنند.^۱

هنگامی که ما شمشیر روح را به کار می‌بریم، اقتدار و حضور خدا شیطان و شیطانش را بر هم می‌زند. دشمن باید در برابر اقتدار بالاتر سر خم کند. ما به عنوان شاگردان مسیح، سفیران او هستیم که از اقتدار و حکومت خدا پشتیبانی می‌شوند. ما افرادی را در اطراف خود داریم—همسران، خانواده، دوستان و همکاران—که در برابر جهان‌بینی کتاب مقدسی ما مقاومت می‌کنند. آنها تحت فریب دشمن هستند و حجاب بر دل‌هایشان کشیده شده است: «**خدای این جهان بر ذهن بی‌ایمانان کورپوشی کرده است تا نتوانند نور انجیل را که جلال مسیح را که صورت خداست، آشکار می‌سازد، ببینند**» (دوم قرنتیان ۴:۴). به روح خدا پذیرا باشید؛ او می‌تواند کلمه‌ای به شما بدهد که در میان دروغ‌ها و فریب‌هایی که عزیزان شما را از نور حقیقت خدا کور کرده‌اند، نفوذ کند. روح خدا از افکار پنهان، دفاعیات و سوالات بی‌پاسخ آنها آگاه است. از خدا بخواهید کلمه‌ای الهام‌بخش به شما عطا کند تا از سد دفاعی دشمن عبور کند. هر چه زمان بیشتری را در کلام خدا سپری کنید و در سخنان او غوطه‌ور شوید، برای روح خدا آسان‌تر می‌شود که آنها را به خاطرتان آورد. عیسی گفت: «**پرونده، یعنی روح القدس، که پدر به نام من خواهد فرستاد، همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه را که به شما گفته‌ام به یادتان خواهد آورد**» (یوحنا ۱۴:۲۶).

ما باید با کلام خدا آشنا شویم. هنگامی که شیطان به عیسی نزدیک شد و گفت: «اگر تو پسر خدا هستی، به این سنگ‌ها بگو نان شوند» (متی ۴:۳)، عیسی با نقل قول از تثنیه ۸:۳ پاسخ داد: «**نوشته شده است: انسان تنها به نان زنده نمی‌ماند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر می‌شود**» (متی ۴:۴). همان‌طور که بدن فیزیکی به نان، که یکی از مواد غذایی اصلی در رژیم غذایی اسرائیلیان بود، نیاز دارد، مؤمن به مسیح نیز باید با تأمل روزانه در کلام خدا رشد کند و تغذیه شود تا از نظر روحانی سالم بماند و بر شرور غلبه کند. کلام خدا نان آسمانی برای روح ماست.

۲. دعا در روح: فروپاشی قلعه‌های شیطانی

پولس در نامه‌اش به کلیسای افسوس تنها به یک سلاح تهاجمی اشاره می‌کند، اما ممکن است تصویر ذهنی از زره سرباز رومی، که نمایانگر دومین سلاح تهاجمی او یعنی دعا بود، نداشته باشد. پولس افکار خود را با نوشتن این کلمات ادامه می‌دهد:

و در هر موقع و با هر نوع دعا و درخواست، در روح دعا کنید. با در نظر داشتن این موضوع، هوشیار باشید و همواره برای همه مقدسین دعا کنید (افسیان ۶: ۱۸).

برخی از اعضای کلیسای جهانی ادعا می‌کنند که پولس در مورد دعا به زبان نامفهوم صحبت می‌کند. آنها دو آیه را از نامه اول پولس به مؤمنان قرنتس برجسته می‌کنند:

ازیرا هر که به زبان غیبی سخن می‌گوید، نه با مردم بلکه با خدا سخن می‌گوید. در حقیقت، هیچ‌کس او را درک نمی‌کند؛ او با روح خود اسرار را بیان می‌کند.
ازیرا اگر به زبان بیگانه دعا کنیم، روح دعا می‌کند، اما ذهن بی‌ثمر است (اول قرنتیان ۱۴: ۲، ۱۴).

^۱ گرفته شده از: <https://hopefaithprayer.com/prayernew/charles-finney-intercessors>

هنگام بحث در مورد «دعا در روح» (افسیان ۶: ۱۸)، من معتقدم که پولس به تمام اشکال دعایی اشاره می‌کند که تحت هدایت و با قدرت روح القدس است و قلعه‌های شیطانی را فرو می‌ریزد و بر افراد و سرزمین‌هایی که تحت تأثیر ارواح شیطانی هستند، تأثیر می‌گذارد. ممکن است برخی هدایت شوند تا به زبان ناشناس دعا کنند، اما قدرت دعا به زبان خود را که روح به شما توان می‌دهد، دست کم نگیرید. پولس اشاره می‌کند که همه مسیحیان به زبان‌ها سخن نمی‌گویند (اول قرنتیان ۱۲: ۳۰). قرنتیان گروهی با استعداد بودند، با این حال شک دارم که او به مؤمنان در افسوس گفته باشد که دعا کردن به روح به معنای دعا کردن صرفاً به زبان‌ها است. جسم مسیح یک موجود زنده روحانی چندوجهی است که از طریق اشکال مختلف دعا، با استفاده از هدایا و استعدادهای همگان، دژهای روحانی را از هم می‌گسلد. دعای هدایت‌شده توسط روح، بر پایه اقتدار خدا و حضور روح القدس استوار است.

ما نمونه‌ای از این نوع دعا را در اعمال رسولان ۴: ۲۳-۳۱ می‌بینیم، پس از آنکه پطرس و یوحنا به خاطر «جرم» شفا دادن مرد لنگ در دروازه زیبا، توسط رهبران یهودی زندانی شدند. پطرس که تحت تأثیر روح بود، در دادگاه بی‌پاکانه سخن گفت و به کاهنان اعظم، کاتبان و بزرگان گفت که از صحبت کردن درباره عیسی دست نخواهند کشید. آنها پس از دریافت تهدیدات متعدد آزاد شدند. توجه کنید وقتی پطرس و یوحنا به جمع مؤمنان بازگشتند چه اتفاقی افتاد:

«وقتی آزاد شدند، نزد همراهمان خود رفتند و همه آنچه را که کاهنان ارشد و مشایخ به آنها گفته بودند، بازگو کردند. و هنگامی که این را شنیدند، با اتفاق آرا آواز مخوانی کردند و صداهای خود را به درگاه خدا بلند ساختند و گفتند، «ای خداوند، تو همان کسی هستی که آسمان و زمین و دریا و هرچه در آنهاست را آفریدی،^{۲۵} تو که به واسطه روح القدس، به زبان پدر ما داوود، بنده تو، گفتی: «چرا قوم‌های غریب‌هودی خشمگین شدند و ملت‌ها نقشه بیهوده کشیدند؟»^{۲۶} «ملک‌های زمین برپا خاستند و حاکمان گرد هم آمدند تا بر خداوند و مسیح او شور کنند.»^{۲۷} زیرا در این شهر، هیرودس و پونتیوس پیلاتس، به همراه غریب‌هودیان و قبایل اسرائیل، بر علیه بنده مقدس تو، عیسی، که او را مسح کردی، گرد آمدند،^{۲۸} تا هر آنچه دست و مشیت تو از پیش مقدر فرموده بود، به انجام برسد.^{۲۹} «و اکنون، ای خداوند، به تهدیدهای ایشان توجه فرما، و اجازه ده که بندگان تو با تمام جسارت کلام تو را سخن بگویند،^{۳۰} در حالی که تو دست خود را برای شفا دادن دراز می‌کنی، و نشانه‌ها و معجزات به نام بنده مقدس تو عیسی به وقوع می‌پیوندد.»^{۳۱} و هنگامی که آنها دعا کردند، مکانی که در آن گرد آمده بودند، لرزید و همگی از روح القدس پر شدند و با جسارت شروع به گفتن کلام خدا کردند (اعمال رسولان ۴: ۲۳-۳۱).

دعا با استراتژی: در آیات ۲۳ تا ۳۱ از اعمال رسولان، کلیسای اولیه به اتفاق و با همت جمعی دعا کرد، که منجر به لرزیدن مکانی شد که در آن گرد آمده بودند. این موضوع چگونه دیدگاه سنتی ما را در مورد دعا‌های فردی و آرام به چالش می‌کشد یا گسترش می‌دهد؟ چه تغییری رخ می‌دهد وقتی یک گروه کوچک یا کلیسا برای دعا کردن به طور مشخص علیه قلعه‌های روحانی فرهنگی یا محلی متحد می‌شوند؟

حواریون اولیه دریافتند که مبارزه آنها نه با گوشت و خون، بلکه با نیروهای روحانی است. آنها به این آزار و اذیت شیطانی چگونه پاسخ دادند؟ آنها با شور و اشتیاق دعا کردند؛ صداهایشان را به سوی خدا بلند کردند. آنها نوبتی دعا نکردند؛ بلکه همه با هم و به صورت هماهنگ به زبان‌های مختلف با صدای بلند، تحت هدایت روح القدس دعا کردند. در آن لحظه، هنگامی که در دعایی با قدرت روح، صداهایشان را به سوی خدا بلند کردند، محل اجتماعشان لرزید. مؤمنان از روح القدس پر شدند و با جسارت شروع به اعلام پیام خدا کردند.

دعای استراتژیک جنگی: نقشه‌برداری روحانی و پیش‌رفت‌های سراسری شهر

یک مثال معاصر از دعای هدایت‌شده توسط روح القدس که بر قلعه‌های شیطانی غلبه می‌کند، در داستانی از آرژانتین یافت می‌شود که در کتاب «دعا در نبرد» نوشته سی. پیتر واگنر (صفحات ۳۰-۳۴) به تفصیل آمده است. این داستان استراتژی‌ای را برای دگرگون‌سازی رسیستنسیا، شهری در استان چاکو، تشریح می‌کند. مبلغ آرژانتینی اد سیلوو zo طرح سه‌ساله‌ای را برای تغییر فضای معنوی شهر و تسهیل پذیرش انجیل آغاز کرد. در سال ۱۹۹۰، تنها حدود ۶۰۰۰ نفر از ۴۰۰۰۰۰ ساکن، یا ۱.۵ درصد، خود را مؤمنان انجیلی معرفی کردند. سیلوو تیمی را از «هاروست اوانجلیزم» گرد هم آورد تا در طول بیش

از یک سال، پایه‌ای از دعا، جنگ روحانی و آموزش رهبری را بنا نهاد. جامعه با اشتیاق پاسخ داد و مشتاق بود تا روز بعد اقتدار روحانی خود را بر شهرشان به دست گیرد. سیلوسو می‌گوید:

گروهی ۸۰ نفره گرد هم آمدند و در میدان مایو در بوئنوس آیرس راهپیمایی کردند و به مدت پنج ساعت علیه نیروهای روحانی شرارت در عوالم آسمانی دعا کردند. این گروه، در میان موارد دیگر، روح جادوگری و روح مرگ را در ساختمان وزارت رفاه اجتماعی حس کردند، جایی که رئیس‌جمهور پرون یک جادوگر بدنام داشت که دفتری در آنجا برپا کرده بود. وقتی گروه میدان را ترک کرد، احساس پیروزی کردند. مقامات و قدرت‌ها نابود نشدند، اما دعای جنگی تا حدی شروع به تضعیف تسلط شرارت‌آمیز بر آرژانتین کرده بود. در شهر رسیستنسیا، مردم از نام ارواحی که بر شهر حکومت می‌کردند آگاه بودند. روح مرگ شاید قدرتمندترین آنها بود.²

بسیاری از ساکنان رسیستنسیا عمیقاً به یک قدیس عامیانه مرگ به نام سان لا موثرته احترام می‌گذاشتند. برخی از آنها مجسمه‌های استخوانی کوچکی از این بت را به صورت جراحی زیر پوست یا نوک سینه‌های خود کاشته بودند، زیرا معتقد بودند این کار «مرگی خوب» را تضمین می‌کند. خدا همچنین دیگر ارواحی با اهمیت مشابه را آشکار ساخت، مانند روح تفرقه که وحشت، به‌ویژه در کودکان، را در هنگام چرت بعد از ظهر و شب ایجاد می‌کرد؛ روح انحراف جنسی؛ و یک روح مذهبی که ماهیت واقعی کلیسای سنتی را تحریف می‌کرد. این ارواح منابع اصلی نفوذ شهر بودند. هر روح نامی داشت که خدا آن را داده بود. جالب اینجاست که تصاویر این ارواح و اعمالشان بر روی چندین دیوارنگاره بزرگ هنر عامیانه در میدان مرکزی شهر به تصویر کشیده شده بود.

نتیجه چه بود؟ اد سیلوسو گزارش می‌دهد که نمودارهای رشد کلیساهای رسیستنسیا از ماه آوریل، زمانی که این گروه در میدان عمومی دعا کردند، روند صعودی قابل توجهی را نشان داد. در یک رویداد عمومی، ۲۵۰ نفر در استخرهای قابل حمل غسل تعمید گرفتند. جمعیت حدود ۱۷۰۰۰ نفری برای جلسات تبلیغی در یک زمین باز جمع می‌شدند، جایی که هر شب اشیاء مرتبط با آیین‌های جادوگری و سحر را در یک بشکه پنجاه و پنج گالنی می‌سوزاندند. صدها نفر شفاهای جسمانی و رهایی از شیاطین را تجربه کردند. دست‌کم هجده کلیسای جدید تأسیس شد. مهم‌تر از همه، جمعیت مسیحیان انجیلی در رسیستنسیا در سال ۱۹۹۰ تقریباً دو برابر شد. به نظر می‌رسد واضح است که این گروه از مؤمنان دعاکننده تأثیر معنوی قابل توجهی داشتند. دعا‌های جمعی قدرتمند آنها راه را برای کلام خدا هموار کرد و پس از زمان دعا، یک کارزار تبشیری برای اعلام انجیل برگزار شد.

من از این داستان استفاده می‌کنم تا نشان دهم که این امور واقعی هستند و عیسی در مصلوب بر آنها پیروز شده است. هنگامی که با قدرت‌ها و ریاست‌ها بر شهرها یا ملت‌ها روبرو می‌شویم، خدا قوم خود را رهبری می‌کند تا در این نوع دعا، که اغلب شامل روزه است، گرد هم آیند. هنگامی که بدن مسیح تحت رهبری الهام‌گرفته از روح، با هم همکاری می‌کند، شهرها و شهرک‌های کامل می‌توانند به سوی مسیح بازگردند. حتی اگر با دژهای ذهنی خود درگیر هستید، مفید است که با یک دوست مورد اعتماد تماس بگیرید تا در دعا در کنار شما بایستد. این امر بر اهمیت عضویت در یک جماعت کتاب‌مقدس‌ی تجلی‌یافته عیسی مسیح در شهر یا محل زندگی شما تأکید می‌کند. این همواره الگو بوده است. وقتی قوم خدا در وحدت کنار هم می‌ایستند، اتفاقی فوق‌العاده رخ می‌دهد. شما باید مؤمنانی را که در مسیح ایمان دارند، در اطراف خود داشته باشید. پاسخگو بودن در جایی، به عنوان یک دفاع قوی عمل می‌کند و به جلوگیری از انزوا و آسیب‌پذیری کمک می‌کند. به یاد داشته باشید که وقتی خداوند ما حواریون خود را فرستاد، آنها را تنها نفرستاد. او آنها را دو به دو فرستاد تا بیماران را شفا دهند و شیاطین را بیرون کنند.

۳. ستایش و پرستش: سلاح غیرمتعارف برای پیروزی

اگرچه پولس در نامه خود به افسسیان به این سلاح روح‌القدس اشاره نمی‌کند، اما من معتقدم دلیل خوبی برای برجسته کردن آن هنگام بحث در مورد مجموعه سلاح‌های معنوی یک مؤمن وجود دارد. به عنوان مثال، هنگامی که پولس (که قبلاً شاول

² سی. پیتر واگنر، دعای نبرد، انتشارات ریگل، صفحات ۳۰-۳۴.

نام داشت) در حال عبادت بود، خدا با او سخن گفت تا از او برای گسترش انجیل به مناطق دیگر استفاده کند. خدا در آن زمان عبادت، زندگی او را دگرگون ساخت:

«در کلیسای آنتیوک، انبیاء و معلمانی بودند: برناباس، سیمون که به نیگر معروف بود، لوسیوس قیرینی، منابین (که با هیروُدس چهارم بزرگ شده بود) و شائول. ^۲ در حالی که آنها در عبادت پروردگار بودند و روزه گرفته بودند، روح القدس گفت: «برناباس و شائول را برای کاری که من آنها را به آن خوانده‌ام، جدا کنید.» ^۳ پس از اینکه روزه گرفتند و دعا کردند، دست‌های خود را بر آنها نهادند و آنها را روانه ساختند (اعمال رسولان ۱۳: ۱-۳).

در آیات فوق، عبادت به عنوان سلاحی برای مقاصد دنیوی به کار نرفته، بلکه برای نزدیک‌تر شدن به خدا و طلب راهنمایی از روح القدس است. ما برای کارمان برای او به هدایت و قدرت الهی نیازمندیم. عیسی گفت: «من کلیسای خود را بنا خواهم کرد و درهای جهنم بر آن غلبه خواهند کرد» (متی ۱۶: ۱۸). ما نباید به نفع «مدل‌های کسب‌وکار بزرگ»، گوش دادن به روح را متوقف کنیم، زیرا مسیح بنای کلیسا است و ما به هدایت او نیاز داریم. «اگر خداوند خانه را بنا نکند، بناها بیهوده زحمت می‌کشند» (مزمور ۱: ۲۷). بسیاری از کشیشان ناامید شده‌اند زیرا آنچه در یک کلیسا جواب می‌دهد، برای آنها کارساز نبوده است. اگر فقط به او گوش دهیم، خدا برای شهر، شهرک یا روستای شما استراتژی‌ای دارد.

عبادت به عنوان سلاحی در برابر حمله‌ای که الهام گرفته از شیاطین بود و توسط لشکری بزرگ متشکل از ائتلاف موآبیان، عمونیان و متونیان به اسرائیل صورت گرفت، عمل کرد؛ رویدادی که در دوم تواریخ ۲۰ ثبت شده است. یهوشافاط، پادشاه یهودا در آن زمان، تمام مردم را در اورشلیم گرد هم آورد و آنها با فریاد زدن و دعای پرشور به خداوند، ناتوانی خود را در دفاع از خانواده‌هایشان در برابر این حمله ابراز کردند. خدا در حالی که آنها برای رهایی روزه گرفته و دعا می‌کردند، به طور نبوی با آنها سخن گفت.

از این لشکریان انبوه نترسید و دلسرد نشوید، زیرا این نبرد از آن شما نیست، بلکه از آن خداست. ^{۱۶} فردا به جنگ با آنها بروید. آنها از گذرگاه زیز بالا خواهند آمد و شما آنها را در انتهای تنگه، در بیابان یروئیل خواهید یافت. ^{۱۷} شما در این نبرد نخواهید جنگید. مواضع خود را بگیرید؛ استوار بایستید و نجات خداوند را که به شما و یهودا و اورشلیم خواهد داد، ببینید. نترسید و دلسرد نشوید. فردا برای رویارویی با آنها بیرون بروید، و خداوند با شما خواهد بود (۲ تواریخ ۲۰: ۱۵-۱۷).

جنگ از آن خداوند است: گروه کر ایمان یهوشافاط

نقشه خدا چه بود؟ به سپاه دستور داده شد که توسط گروه پرستش به جنگ دشمن بروند، بدون آنکه نیازی به نبرد باشد—خدا برای آنها می‌جنگید. یهوشافاط با راهنمایی روح، مردانی را برگزید تا در حالی که سپاه را رهبری می‌کردند، برای خداوند آواز بخوانند و قدوسیت او را ستایش کنند.

^{۲۲} هنگامی که آنها شروع به آواز خواندن و ستایش کردند، خداوند کمپنهایی را بر ضد مردان آمون و موآب و کوه صیر که به یهودا حمله کرده بودند، قرار داد و آنها شکست خوردند. ^{۲۳} آمونیت‌ها و موآبیت‌ها بر ضد مردان کوه صیر برخاستند تا آنها را نابود و هلاک کنند. پس از آنکه کشتار مردان سیر را به پایان رساندند، به نابودی یکدیگر کمک کردند. ^{۲۴} هنگامی که مردان یهودا به مکانی که مشرف به بیابان بود رسیدند و به آن سپاه عظیم نگر بستند، جز اجساد مرده بر زمین افتاده چیزی ندیدند؛ هیچ‌کس فرار نکرده بود (۲ تواریخ ۲۰: ۲۲-۲۴؛ تأکید از ماست).

سلاح ستایش: با نگاهی به داستان پادشاه یهوشافاط (دوم تواریخ ۲۰)، خداوند به گروه پرستش فرمان داد تا سربازان خط مقدم را به نبرد رهبری کنند. به نظر شما چرا ستایش چنین سلاح موثری در برابر نقشه‌های دشمن برای ایجاد افسردگی، ترس و سردرگمی است؟

به هدایت خداوند، عبادتی الهام‌گرفته از روح القدس برگزار شد که به فروپاشی حمله الهام‌گرفته از شیاطین انجامید، زیرا خداوند به نفع قوم خود مداخله کرد و نیازی به نبرد فیزیکی از سوی آنان نبود. آنها نباید به قدرت خود تکیه کنند، بلکه باید بر

قدرت او اعتماد نمایند. خداوند کمینه‌ای برای دشمنان اسرائیل چید که آنها را وادار کرد تا با یکدیگر بجنگند و در نهایت خود را نابود سازند.

در طول زندگی‌ام، زمان‌هایی بوده که حس کرده‌ام خداوند مرا به موقعیت‌هایی هدایت می‌کند که مجبورم برای کنترل اوضاع به او تکیه کنم و این به من اجازه می‌دهد تا پشت سر او بایستم و تماشا کنم که چگونه اوضاع را مدیریت می‌کند.

فیض، فیض بر کوه: یک معجزه شخصی در اسرائیل

در سال ۱۹۸۴، در حالی که در اسرائیل زندگی می‌کردیم و به خداوند خدمت می‌کردیم، من و همسرم، سندی، فهمیدیم که او باردار است و اولین فرزندمان را حامله است. ما از این بابت بسیار خوشحال و از خداوند عمیقاً سپاسگزار بودیم. با این حال، در اوایل بارداری، چندین علامت نگران‌کننده ما را وادار کرد تا برای کمک پزشکی به بیت‌لحم مراجعه کنیم. ما یک پزشک بسیار باتجربه را که به تجهیزات مدرن دسترسی داشت انتخاب کردیم و او برای بررسی ضربان قلب، سونوگرافی انجام داد. پس از معاینه، او نتوانست ضربان قلبی پیدا کند و نتیجه گرفت که سندی حامل یک نوزاد نیست، بلکه یک تومور است. از آنجایی که آزمایش بارداری او مثبت بود، ما در تلاش بودیم تا بفهمیم این چگونه ممکن است. دکتر توضیح داد که این یک بارداری مولار است—رشدی که در آن زمان سرطانی نبود اما اگر برداشته نمی‌شد، می‌توانست سرطانی شود. از آنجایی که علائم مشابه بارداری ایجاد می‌کرد، او جراحی را برای هفته بعد برنامه‌ریزی کرد. ما با دلشکستگی و سردرگمی به خانه بازگشتیم. چیزی که اوضاع را دشوارتر می‌کرد این بود که ما معتقد بودیم خدا از قبل نام نوزاد را به ما گفته بود: آنا، به نام پیامبرزی که در لوقا ۲: ۳۶-۳۸ ذکر شده است.

در آن لحظه دردناک، دشمن سریعاً این فکر را در ذهنم کاشت: «ها! تو از خدا نان خواستی و او سنگ به تو داد!» چرا خدا چنین امیدی به ما داده بود تا اجازه دهد جای آن را چیزی بگیرد که مانند یک ناامیدی خردکننده بود؟ آنچه ما آن را برکت می‌دانستیم، اکنون مانند کوهی در برابرمان بود. من و سندی به دوستانمان در کلیسا روی آوردیم و آنها در دعایشان همراه ما بودند. در آن زمان، خداوند آیه‌ای از کتاب زکریا را بر دل ما نازل کرد و من آن را در اینجا از نسخه پادشاه جیمز نقل می‌کنم، زیرا آن زمان اینگونه آن را به ما نشان داد: «نه به قدرت و نه به توانایی، بلکه به روح من، می‌گوید خداوند سپاهان. ای کوه بزرگ، تو کیستی؟ در حضور زربابل به دشت مبدل خواهی شد؛ و او سنگ نبشته آن را با فریادهای شادمانی به جا خواهد نهاد و فریاد خواهد زد: «فیض! فیض بر آن!» (زکریا ۴: ۶-۷).

من کاملاً آگاهم که این آیه از کتاب مقدس از زمانی خاص و عملی مشخص سخن می‌گوید. با این حال، این همان جنبه شگفت‌انگیز کلام خداست: او می‌تواند کلمه‌ای مانند این را بردارد و قلب شما را برای موقعیتی خاص شعلهور سازد، و این همان کاری است که او انجام داد. من و سندی با ایمان و اطاعت از آنچه معتقد بودیم کلام «رما»ی خدا به ماست، قدم برداشتیم. ما دست‌هایمان را بر شکم سندی گذاشتیم و کلمات این آیه را با صدای بلند اعلام کردیم: «فیض، فیض».

پس از آن، با هم صدایمان را برای ستایش و اعلام برمی‌داشتیم. ما در یک جلسه در میان سایر مؤمنان بودیم. وقتی آنها برای دعا دور ما جمع شدند، احساس آرامش در مورد وضعیت کردیم و با این اعتماد که خداوند آن را در دستان خود گرفته است، به قرار ملاقات عمل جراحی‌مان ادامه دادیم. دکتر انتظار داشت که به روند عمل ادامه دهد، اما قبل از انجام عمل DNC، از او خواستیم که پیش از جراحی یک سونوگرافی دیگر انجام دهد. او دید که سندی بسیار پریشان است، بنابراین موافقت کرد. وقتی این کار را کرد، از شنیدن تپش قلب و دیدن کیسه آمنیوتیک که قبلاً قابل رؤیت نبود، شگفت‌زده شد. نمی‌دانم که آیا دکتر در بار اول اشتباه کرده بود یا اینکه خدا معجزه‌ای خلاقانه انجام داد. تنها چیزی که می‌دانم این است که ما از طریق کلام خدا امید یافتیم و دخترمان برای ما یک معجزه است!

ایستادن بر یک «کلمه رما»: کیت معجزه‌ای شخصی و عمیقاً تأثیرگذار را در مورد دخترش، آنا گریس، به اشتراک گذاشت که با یک «کلمه رما» به‌موقع از زکریا ۴: ۶-۷ آغاز شد. آیا تا به حال احساس کرده‌اید که خدا وعده‌ای مشخص و پویا («کلمه رما») برای یک موقعیت ظاهراً غیرممکن به شما داده است؟ این گروه چگونه می‌تواند در دعا و ستایش برای «کوه‌های» شما در حال حاضر، همراهتان باشد؟

هر داستانی در زندگی ما پاسخ پیروزمندانه‌ای مانند این یکی ندارد. گاهی اوقات، ما بدون آنکه دلیلش را بدانیم رنج می‌پریم. در همه حال، خدا را می‌توان جلال داد و از این طریق، همیشه پیروزی وجود دارد. وقتی درمی‌یابیم که او هر چیزی را که به ما می‌رسد از دستان خودمان عبور می‌دهد، می‌توانیم به محبت او اعتماد کنیم. موفقیت ما همان پیروزی است که او پیش از این برای ما به دست آورده است. قدرت او، قدرت ماست؛ زره او، زره ماست. او از ما نمی‌خواهد که این نبرد را به تنهایی بجنگیم، بلکه در میان طوفان، قدرت و آرامش خود را به ما عرضه می‌کند. این نبرد، در واقع، از آن خداوند است.

* ما دخترمان را «آنا گریس توماس» نامیدیم. «آنا» شکل لاتین نام عبری «حنه» است که به معنای «لطف» یا «فیض» است. ما پیش از این تجربه، نام «آنا» را انتخاب کرده بودیم، و آن را از فصل ۲ انجیل لوقا برگزیده بودیم، حتی پیش از آنکه سندی باردار شود. به همین دلیل بود که نام دوم او را «فیض» انتخاب کردیم تا نامش، در معنای خود، بازتاب‌دهنده «فیض، فیض» باشد. این نام یادآور این است که چگونه خداوند در این موقعیت، فیض خود را بر ما بخشید.

حرکت از مطالعه به عمل: کاربرد هفتگی جنگ روحانی

- **طرح شفاعت در دعا (دعا):** نبردهای خود را به تنهایی نبرید. یک عضو نزدیک خانواده، دوست یا همکار را انتخاب کنید که در حال حاضر از حقیقت انجیل غافل است. متعهد شوید که این هفته هر روز فقط ۵ دقیقه برای او دعا کنید. از روح القدس بخواهید یک کلمه الهام‌بخش و خاص «ماخایر!» به شما بدهد که بتواند از سد دفاعی او عبور کرده و عشق خدا را به او نشان دهد.
- **چالش پرستش «حمله اول» (ستایش):** دفعه بعد که احساس کردید موجی از سنگینی روحانی، اضطراب یا تنش خانوادگی وارد خانه‌تان می‌شود، به جای خالی کردن دل یا نگرانی، این کار را انجام دهید. ۱۵ دقیقه موسیقی تمجید و پرستش هدفمند را پخش کنید. پیش از آنکه نتیجه مبارزه‌تان را ببینید، فعالانه خدا را به خاطر صفاتش (حاکمیت او، نیکی او، قداست او) ستایش کنید و با استفاده از ستایش، حضور او را برای پاکسازی فضای معنوی اطراف خود دعوت نمایید.

دعا: ای پادشاه عیسی، از تو سپاسگزاریم که فرمانده نجات ما، برج بلند، دژ و پناهگاه ما در طوفان هستی. برای تمام آنچه هستی و برای هر سلاح روحانی که فراهم می‌کنی، از تو سپاسگزاریم و تو را ستایش می‌کنیم!

کیت توماس

www.groupbiblestudy.com

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>